

نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی

اکبرزارع شاه آبادی^۱

فاطمه صیادی^۲

لیلی بنیاد^۳

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی می‌باشد. تحقیق از نوع پیمایش بوده و برای جمع‌آوری داده‌های آن از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را خانواده‌های یزدی دارای دانش‌آموخته دانشگاهی، تشکیل می‌دهند که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر از خانواده‌ها به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پس از محاسبه روایی و پایایی ابزار، داده‌ها با نرم افزار SPSS و روش‌های آماری آزمون تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد نقش عوامل خانوادگی (نظم در خانواده شامل: همگامی، همفکری، هم‌بختی، همدلی و همچنین پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده شامل: تحصیلات والدین، شغل پدر، درآمد و وضعیت مالکیت مسکن خانواده)، در میزان شایستگی دانش‌آموختگان تأیید شد. نتایج حاصل از معادله رگرسیونی در میان پاسخگویان نشان داد که در مجموع به ترتیب ۳ متغیر همگامی، هم‌بختی و همفکری توانستند ۰/۱۷ درصد از واریانس متغیر شایستگی را تبیین کنند. و متغیر همگامی با ضریب ۰/۲۷۹ بیشترین تأثیر را در تبیین شایستگی داشته است.

مفاهیم کلیدی: شایستگی، نظم در خانواده، دانش‌آموختگان

مقدمه

در دهه‌های گذشته، نظام‌های آموزش عالی تحت تأثیر سه عامل قرار داشته‌اند: الف) تغییرات اقتصادی-اجتماعی، ب) تغییرات فن‌آورانه (تکنولوژیک)، ج) حرکت به سوی جهانی شدن اقتصاد. این تغییرات موجب شده است که نظام‌های یاد شده، بیش از پیش، به جنبه‌های کارآیی و اثربخشی فعالیت‌های خود حساس شوند. اما همه نظام‌های آموزش عالی به اندازه کافی به این دو جنبه توجه نکرده‌اند. این امر، به‌ویژه درباره

۱-دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه یزد نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۵۳۱۷۸۹ A_zare@yazd.ac.ir

۲-fsayyadi70@yahoo.com-۲. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه یزد،

leilibonyad@gmail.com

۳-دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش توسعه اقتصادی دانشگاه یزد

نظام‌های آموزش عالی در کشورهای جهان سوم، مشهودتر است. برپایه آنچه که اشاره شد، نظام‌های آموزش عالی باید به نیازهای جاری و آینده جامعه پاسخگو باشند. چنانچه موسسات آموزش عالی بخواهند از بهره‌وری خود به خوبی مطلع شوند باید به ارزیابی کیفیت بپردازند (بازرگان، ۱۳۷۷: ۱۲۵). ارزیابی کیفیت به بهبود کیفیت و پاسخگویی سازمان در برابر افراد ذینفع یاری می‌رساند. فعالیت‌های انجام شده در زمینه توسعه رویکرد نظام مبتنی بر شایستگی در حوزه منابع انسانی و تأثیری که این فعالیت‌ها بر کارکردهای مختلف مدیریت منابع انسانی در دهه‌های اخیر از خود بر جای گذاشته‌اند، باعث شده است که این امر به عنوان یکی از اهداف و مقاصد راهبردی در حوزه مدیریت منابع انسانی سازمان‌ها و موسسات کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه به حساب آید و سازمان‌ها به تدریج بر ضرورت و اهمیت شناسایی شایستگی‌های مورد نیاز منابع انسانی و تدوین هدفمند و سریع الگوهای شایستگی از خود توجه نشان دهند (رضایت و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲). دغدغه نظام آموزشی در هر جامعه‌ای، همانگونه که می‌دانیم تربیت اجتماعی و به حداکثر رساندن روحیه‌ی اجتماع‌پذیری برای تحقق اهداف عالی در تشکیل یک اجتماع سالم است لذا، یکی از اهداف عمده نظام آموزش عالی، تربیت شهروندانی شایسته و نیز انسان‌هایی آگاه به مسائل اجتماعی و برخوردار از روحیه پژوهشگری، خلاقیت، نقادی و توانمندی‌های لازم در تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی و انسانی و کاربرد آن در زندگی شخصی و اجتماعی است (زارع، ۱۳۹۲: ۵۴).

در دنیای امروز، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی سه مأموریت اصلی آموزش، پژوهش و ارائه خدمات را بر عهده دارند. با عنایت به نقش مهم این نهادها در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه، اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد آن‌ها، به منظور جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی، و نیز داشتن توانایی رقابت در دنیای آینده که در آن، کیفیت مهم‌ترین مؤلفه برای ادامه حیات هر سازمان است، ضرورتی انکارناپذیر دارد. بنابراین، توجه مناسب به هر یک از این کارکردها و مأموریت‌ها، از اهمیت خاصی برخوردار است. لازم به ذکر است خانواده‌ها در کیفیت عملکرد دانش‌آموختگان از اهمیت بسزایی برخوردارند، خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد و نهاد اولیه هر جامعه‌ای به شمار می‌رود که کانون ظهور عواطف انسانی و روابط صمیمانه میان افراد است و می‌توان گفت عملکرد خانواده تأثیر مستقیم و بسزایی بر عملکرد جامعه دارد. پژوهشگران بر این عقیده‌اند که بهترین ملاک و معیاری که بر اساس آن می‌توان کیفیت اخلاقی، اجتماعی و روانی افراد را مورد ارزیابی و دقت قرار داد همان شبکه ارتباطی اعضای خانواده و مجموعه قوانین حاکم بر محیط و جو خانواده است. موفقیت یا شکست در اعمال تحصیلی می‌تواند ناشی از کارکردهای سالم یا ناسالم خانواده باشد. در دو دهه اخیر موضوع تأثیر والدین و خانواده بر تحول وضعیت تحصیلی، انگیزش، عاطفی و اجتماعی دانشجویان مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است که نتایج این تحقیقات در مجموع حاکی از تأثیر گسترده خانواده در جنبه‌های مختلف زندگی دانشجویان است. در پژوهش‌های بسیاری به کیفیت ارتباط والدین با فرزندان، تأثیر حمایت آنان، وجود رابطه گرم و صمیمانه با فرزندان و نقش آن در سازگاری‌های موفقیت آمیز در بین دانشجویان اشاره شده است (شاکریان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۸).

بطور کلی می‌توان چنین عنوان کرد که مسأله میزان شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی، تا حد بسیار زیادی ریشه در کمیت و خصوصاً کیفیت روابط دانش‌آموختگان با والدین و خانواده خود دارد. بعبارتی در این پژوهش می‌خواهیم میزان شایستگی را در چارچوب عوامل خانوادگی و با تأکید بر نظم خانواده بررسی کنیم. نظم در خانواده را با چه معرف‌هایی می‌توان سنجید؟ با توجه به اینکه نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با مشکل ماهوی مواجه است که عبارتند از: ۱- همفکری مشترک ۲- همگامی مشترک ۳- همدلی مشترک ۴- همبختی مشترک. اگر این چهار مشکل در گروه اجتماعی (خانواده) حل شود، خانواده دارای نظم و تعادل خواهند بود. (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۹) به عبارت دیگر، عدم همفکری، همگامی، همدلی و همبختی مشترک در خانواده منجر به اختلال در نظم خانواده می‌گردد. در این تحقیق می‌خواهیم بدانیم آیا این اختلال در نظم خانواده می‌تواند بر میزان شایستگی دانش‌آموختگان تأثیرگذار باشد؟ بعبارتی آیا نظم خانواده روی شایستگی فرزندان تأثیر می‌گذارد؟ لذا ابتدا سعی خواهیم نمود تعریف شایستگی و ابعاد مختلف آن را در سطوح گوناگون مشخص کرده و سپس به بررسی رابطه نقش عوامل خانوادگی با میزان شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی بپردازیم.

مفهوم شایستگی ابتدا توسط مک کله‌لند (۱۹۷۳) در دهه ۱۹۷۰ به عنوان پیش‌بینی‌کننده توفیقات کارکنان در شغل معرفی شد و او شایستگی را "محک‌گزینش" توجیه کرد. سپس در سال ۱۹۸۲ به همراه همکاران خود در کتاب "شایستگی مدیر" اولین تعریف را ارائه داد: «ویژگی‌های ریشه‌ای فرد (انگیزه، خصوصیات، مهارت، نقش‌های اجتماعی و مجموعه دانش) که او برای انجام وظیفه به کار می‌برد». توجه به این رویکرد از دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت. واژه شایستگی در فرهنگ لغات عمومی به معنای لیاقت، کاردانی، مهارت و تبحر و در فرهنگ لغات تخصصی مدیریت به معنای صلاحیت، اهلیت، شایستگی، قابلیت و توانایی آمده است. شایستگی در زبان عامیانه، به معنای داشتن توانایی، مهارت، دانش و صلاحیت است و در اصطلاح، با توجه به کار و حیطة شغلی فرد معنی می‌یابد (خورشیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴). در تعریف شایستگی، آن را شامل خصوصیات و رفتارهایی می‌دانند که به اثربخشی فرد در محیط شغلی منجر می‌شود. شایستگی به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است، اما اغلب مدل‌ها شامل عناصر (مبانی) و دانش، توانایی‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و بینش‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و رفتارها و صلاحیت‌هایی است که مرتبط با اهداف سازمانی است و نقش کلیدی در دستیابی به اهداف دارد. اساساً خصوصیات افرادی که می‌توانند به معیارهای اثربخشی دست یابند، شایستگی آن افراد خوانده می‌شود: یعنی افراد شایسته، افرادی‌اند که الگوهای رفتاری مطلوبی را ارائه می‌دهند. این امر در عملکرد به معیار اثربخشی تعبیر می‌شود (میرسپاسی، ۱۳۹۰: ۳۳).

اسپنسر (۱۹۹۳) معتقد است شایستگی، ویژگی زیر بنایی فرد است که به طور کلی با عملکرد اثربخش ملاک مدار و یا عملکرد برتر در یک شغل یا وضعیت، رابطه دارد. وی شایستگی‌ها را به دو دسته طبقه بندی می‌کند: شایستگی‌های مورد نیاز که مهارت‌های ضروری را برای حداقل عملکرد در یک کار و یا انجام یک وظیفه مشخص می‌سازد. شایستگی‌های برتر که بر اساس آن‌ها نتایج به دست آمده بالاتر از میانگین و عملکرد بالاتری است (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۱). فیلیپوت (۲۰۰۲)، شایستگی را به عنوان ترکیبی از مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های مورد نیاز برای انجام یک نقش به گونه‌ای اثربخش، تعریف می‌کنند. در این تعریف، مؤلفه نگرش‌ها به جای توانایی‌ها آمده است. در تعریفی دیگر، مؤلفه انگیزه به جای این دو به تعریف مورد اشاره افزوده شده است (زنجیرانی و همکاران، ۱۳۹۱ : ۱۰۹).

از نظر «روشه»، پارسونز مسأله نظم را، مسأله حل‌نشده می‌داند که باید تبیین شود و نه آن که اکتساب شود. نظم از نظر پارسونز خودانگیخته، اتفاقی و قراردادی از نوع آنچه «جان لاک» و «روسو» بیان کرده‌اند نیست، همچنین نظم از نظر پارسونز اقتداری‌آنگونه که «هابز» می‌اندیشد نیست، همه این تفاسیر یک عیب اساسی داشتند: همه آن‌ها بر اصل موضوعی استوار بوده‌اند که به موجب آن انگیزش کنش انسانی منفعتی است که به صورت انفرادی دنبال می‌شود. پارسونز معتقد است: بنیاد نظم در ساخت نظام کنش است. یعنی در الگوها، هنجارها و ارزش‌هایی که برای کنشگر فردی یا جمعی معنایی دارد، چون که در شخصیت فرد درونی شده‌اند و در عین حال در جامعه و در فرهنگ نهادی شده‌اند (روشه، ۱۳۷۶: ۶۶). لازم به ذکر است که پارسونز به عنوان یکی از شاخص‌ترین نمایندگان نظریه سیستمی در سال‌های اخیر به شمار می‌آید. آیین کارکردگرایی، جامعه را در یک نظم استقرار یافته می‌داند و به تحلیل ارکان اصلی این نظم می‌پردازد؛ جامعه مانند یک موجود زنده به صورت نظامی هماهنگ عمل می‌کند. از این نظر، وظیفه یک جامعه‌شناس آن است که با دیدی سیستمی به تحلیل نظام اجتماعی موجود و مؤلفه‌های آن مبادرت ورزد. به اعتقاد پارسونز ما در جامعه با مسأله‌ای به نام انتقال ارزش‌های اساسی به افراد رو به رو هستیم و این ارزش‌ها هستند که کیفیت عمل افراد را تعیین می‌کند. او جامعه را متشکل از اجزایی می‌داند که اصطلاحاً «پایگاه - نقش‌ها» نامیده می‌شوند. سازمان اندام وار یک خانواده هسته‌ای را می‌توان متشکل از چند موقعیت دانست، که اصطلاحاً موقعیت «مادر»، «پدر» و «فرزند»، نام دارند. پارسونز این موقعیت‌ها را «پایگاه» می‌نامد. البته اینطور نیست که افراد خانواده الزاماً از این شیوه‌های رفتاری تبعیت کنند، بلکه بر اساس آن باید عمل کنند. در هر واحدی که متشکل از چندین پایگاه متفاوت است، روابط میان پایگاه‌ها را قواعد تعیین می‌کنند و بدینوسیله مشخص می‌شود که هرکسی در یک مقام باید چه رفتاری با افراد دیگر که در مقام‌های مقابل هستند داشته باشد. در واقع در ارتباط با نقش‌های هر پایگاه، مجموعه قواعدی وجود دارد که آنچه را که هر فرد باید انجام دهد تعیین می‌کند و پارسونز این قواعد را «هنجار» می‌نامد. اگر اعضای یک واحد اجتماعی این هنجارها را رعایت کنند در میان آنها نظم برقرار می‌شود، زیرا در چنین حالتی است

۴. Spencer

۵. Philpot

۱۴. John Locke

۱۵. Rousseau

که رفتار هر یک در تکمیل رفتار دیگران است، همانگونه که در یک خانواده هسته‌ای مسئولیت‌ها بین زن و شوهر تقسیم شده‌است (ورسلی، ۱۳۷۸: ۷۵). البته مشکل بعدی که عمل به هنجارها و پذیرش ارزش‌ها مربوط می‌شود. چرا اعضای یک جامعه ارزش‌های آن را می‌پذیرند و به هنجارهای آن گردن می‌نهند؟ پارسونز نیز مانند دورکیم می‌گوید: دلیل این امر آن است که افراد، آن ارزش‌ها و هنجارها را درونی می‌کنند و از این طریق آن ارزش‌ها و هنجارها جزو اعتقادات درونی، امتیازات شخصی و انتظارات افراد از یکدیگر می‌شود. به استدلال پارسونز هنجارها بدان جهت درونی می‌شوند که مردم نسبت به یکدیگر تا حد زیادی حساس هستند، در واقع از عکس‌العمل‌های یکدیگر احساس رضایت و یا ناراحتی می‌کنند. به همین شیوه و به طور تجربی، دو طرف مورد نظر ما درک‌شان از یکدیگر را توسعه می‌بخشند و می‌فهمند که طرف مقابل آنها چه چیزهایی را دوست دارد و یا از چه چیزهایی بدش می‌آید. بدینسان این دو نفر با بررسی رفتار یکدیگر، امکان کنترل بر رفتار هم را به دست می‌آورند. از نظر پارسونز تصور رفتار دو نفر مورد نظر، مدل ساده‌ای از فرآیندهای فرد نسبت به کنش‌های ترغیب‌کننده و یا بازدارنده دیگران و تمایل همگان برای شکل‌گیری انتظارات آتی، زمیته را برای فرآیند درونی ساختن ارزش‌ها و هنجارها فراهم می‌سازد (ورسلی، ۱۳۷۸: ۷۵).

به طور خلاصه اگر بپذیریم که از دیدگاه کلی پارسونز، از میان چهار شکل کارکردی عام برای نظام اجتماعی ۱. مسأله انطباق با محیط ۲. مسأله تحصیل هدف ۳. مسأله انسجام ۴. مسأله حفظ انگاره‌های فرهنگی، مسأله اصلی برای نظم اجتماعی در بعد انسجامی می‌باشد، باید بپذیریم که هسته اصلی مسأله نظم در کم و کیف انسجام هنجاری می‌باشد که مبتنی بر اصول مشترک ارزش در جامعه است. به بیان دقیق‌تر در وهله اول، حل مسأله نظم منوط است به تنظیم هنجاری روابط بین واحدها بر مبنای اصول مشترک ارزشی که از طریق نهادینه شدن اجتماعی و نهادینه شدن فرهنگی و در وهله دوم حل مشکل نظم با تنظیم هنجاری درون واحدی از طریق درونی کردن فرهنگ میسر می‌شود (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۴).

نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل مواجه است، این چهار مشکل عبارتند از: ۱. همفکری مشترک ۲. همگامی مشترک ۳. همدلی مشترک ۴. هم‌بختی مشترک. این چهار مشکل برای هر گروه اجتماعی وجود دارد. هر گروه اگر این چهار مشکل را در خود حل کرده باشد، دارای نظم است و نظم آن متعادل و با ثبات است، ولی اگر این چهار مشکل را داشته باشد نظم و تعادل خود را از دست داده دچار اختلال می‌شود (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۲). یکی از مقتضیات نظم خرد، فراهم کردن حداقل همفکری، درک مشترک و ارزشیابی مشترک نسبی است. در غیر اینصورت، در صورتی که همفکری مشترک نباشد قابلیت یادگیری فرد کاهش می‌یابد و فرد قدرت کنترل و انطباق خود را نسبت به محیط از دست می‌دهد (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۹). افراد ضمن اینکه نفع مشترک دارند همزمان به طور نسبی و بالقوه حائز منافع متضاد، نیز هستند. بدین ترتیب جهت جلوگیری از بالفعل شدن تضاد منافع و حاد شدن آن لازم است راه حلی پیدا شود، به طوری که از طریق سازش بیرونی، عملاً به نوعی وحدت عمل و همگامی مشترک نائل آیند. در صورتی که مسأله همگامی مشترک (سازش بیرونی دو جانبه) حل نشود، مصالح جمعی و بلند مدت تحت الشعاع مصالح فردی قرار می‌گیرند (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۶۷). مسأله سوم نظم در سطح خرد مسأله همدلی

متقابل و احساس تعلق مشترک است. همانطور که دورکیم به درستی متذکر می‌شود در تحلیل نهایی پایه هر نظم اجتماعی عاطفه است. در صورتی که حداقل همدلی مشترک نباشد فرد تعهد و وابستگی عاطفی خود را نسبت به دیگران از دست می‌دهد. از هم‌بختی مشترک معنای نسبتاً وسیعی در اینجا مستفاد می‌شود مراد از هم‌بختی مشترک، نفع مشترک و اقبال مشترک است. اساساً نفع مشترک ریشه در نیازهای عام و مشترک انسانی دارد. نیازهایی که تامین آنها از طریق جمع و یا مشارکت دیگران در جمع بیشتر ممکن است. تجلی راه حل جمعی برای رفع بعضی نیازهای مشترک در وضعیت تعادلی، یعنی تعادل‌های قراردادی (مثل قواعد رانندگی) و یا در میثاق‌ها (مثل قانون) نهفته است. افراد در وجود نوعی قانون اشتراک نفع دارند. همه هر نوع قانونی را به نبود آن ترجیح می‌دهند منظور از اقبال مشترک (خطر مشترک) میزان نیاز متقابل افراد است، به تشریک مساعی فیزیکی (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۰). مظهر عالی این تشریک مساعی در تقسیم کار است. در صورتی که مسأله هم‌بختی مشترک نظم حل نشود فرد پاسخ مؤثر نسبت به نیازهای خود دریافت نمی‌کند و قدرت انطباق با محیط بیرونی کاهش می‌یابد (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۲).

پارسونز به نقش عنصر عاطفه در خانواده توجه دارد و خانواده را به عنوان تنها نهاد عمده موجود در جامعه می‌داند که می‌تواند عشق و محبت مراقبت مورد نیاز را برای رشد شخصیت انسانی در بهترین حد ارائه دهد. طبق نظر این جامعه‌شناس، دل‌بستگی عاطفی بین اعضای خانواده با نظم و ثبات در خانواده رابطه مستقیم یا مثبت دارد (همیلتون، ۱۳۷۴: ۱۰۳). با الهام از این نظریه می‌توان گفت خانواده به عنوان مهمترین نهادی است که می‌تواند عشق و محبت و مراقبت مورد نیاز را برای رشد شخصیت انسانی در بهترین حد ارائه دهد؛ به عبارت دیگر نوع رابطه پدر و مادر در خانواده اگر بر اساس همدلی، هم‌فکری (تفاهم متقابل)، هم‌بختی (خطر مشترک) و همگامی (سازش بیرونی و عینی) باشد جو حاکم بر خانواده سرشار از نظم و تعادل شده و همین نظم و تعادل در خانواده تأثیر مثبتی بر موفقیت فرزندان داشته و منجر به شایستگی آنان در امر تحصیل و سایر زمینه‌ها می‌گردد؛ اما چنانچه یکی از چهار ابعاد نظم در خانواده دچار مشکل شود نظم در خانواده نامتعادل و بی‌ثبات شده و در نتیجه خانواده در اجرای کارکردهایش ناموفق می‌شود. در نتیجه همین امر تأثیر منفی بر موفقیت و شایستگی فرزندان می‌گذارد.

بورديو^{۱۶} سه نوع عمده سرمایه را معرفی می‌کند که می‌تواند موفقیت تحصیلی را تحت تاثیر قرار دهد؛ نخست، سرمایه اقتصادی که شامل دستمزد یا دیگر انواع دارایی‌هایی مثل حجم سرمایه می‌شود. این شکل از سرمایه می‌تواند هم به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم مثل پرداخت شهریه آموزشی و ثبت‌نام در نهادهای آموزشی معتبر و هم به صورت غیرمستقیم در قالب کمک مالی به فرزندان در ارتقاء عملکرد تحصیلی آنها نقش داشته باشد. دوم سرمایه اجتماعی است که به عنوان فضای کلی و کیفیت شبکه‌ها و ارتباطاتی که افراد برای ارتقاء منافع خود از آنها استفاده می‌کنند، تعریف شده است. سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند به صورت مستقیم در موفقیت تحصیلی فرزندان دارای اهمیت باشد. خانواده‌ها ممکن است دارای روابطی باشند که بتواند رسیدن به این موقعیت‌ها را تسهیل نماید. سوم، سرمایه فرهنگی است که شامل آموزش و دانش،

۱۶. Hamilton

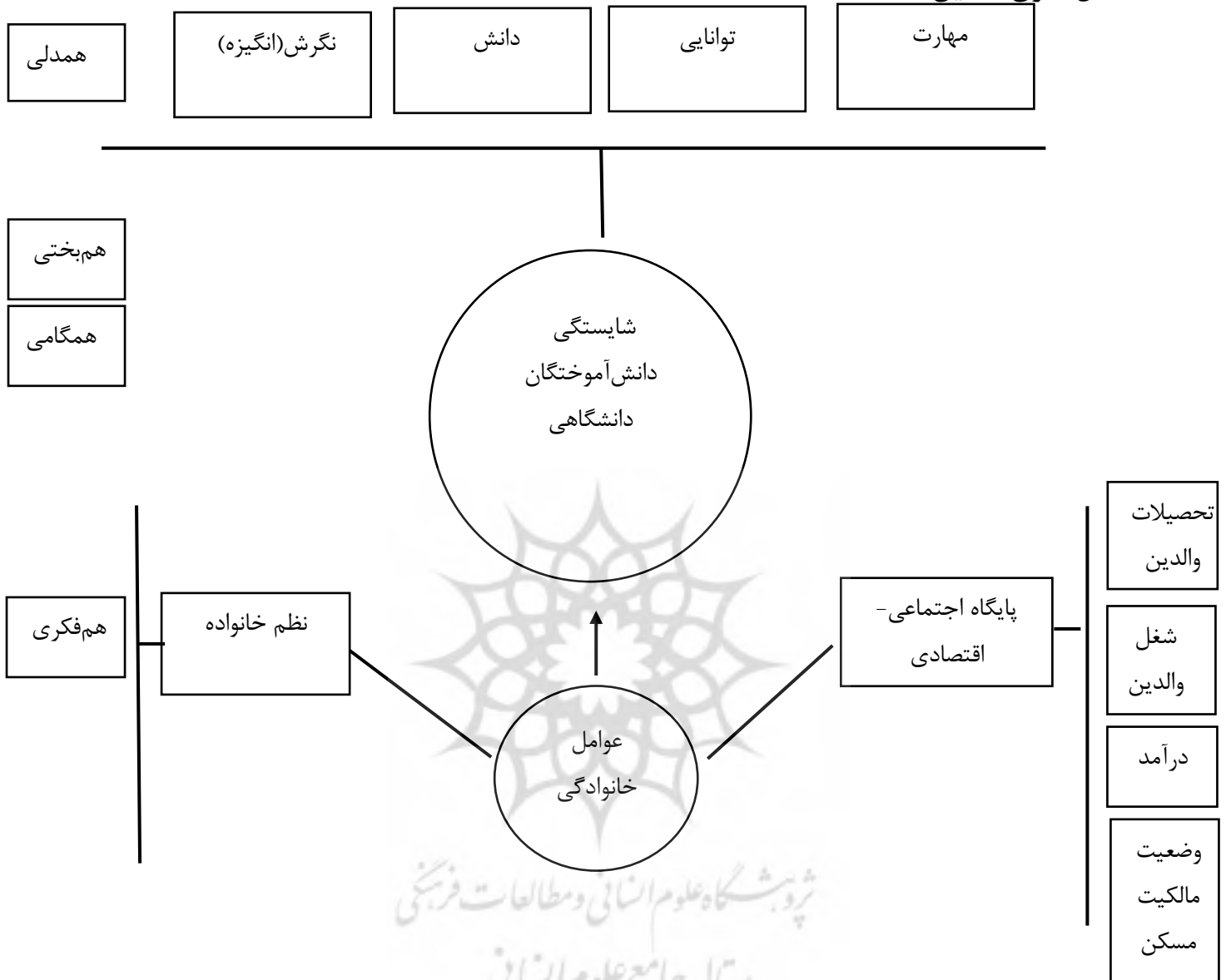
۱۷. Bourdieu

ذائقه‌ها و ترجیحات والدین و اطلاعات خاص آنها از سیستم آموزشی، تحصیلات رسمی، مدیریت تعامل نهادی، تعاملات فرهنگی فضای خانواده می‌باشد. این شکل از سرمایه ممکن است موفقیت تحصیلی فرزندان را بخاطر فعالیت‌های محیط خانواده که همچون یک آزمایشگاه یادگیری برای توسعه اولویت‌های آموزشی، شناخت رموز هنجاری نظام آموزشی و مهارت‌های شناختی است تحت‌تأثیر قرار دهد. در نظریه بورديو فرزندان که با آورده‌های بیشتر و بهتری از سرمایه فرهنگی وارد نظام آموزشی می‌شوند، فرزندان متعلق به خانواده‌هایی که دارای مهارت‌ها و ترجیحات فرهنگ غالب هستند، بهتر قادرند قواعد پنهان بازی را کشف نموده و مهارت‌ها و اولویت‌هایی را که از طرف نظام آموزشی مهم تلقی می‌شود را بپذیرند و بهتر می‌توانند مسیر خود را تا بالاترین سطوح تحصیلی ادامه دهند (آشافنبورگ و ماس، ۱۹۹۷). والدین متعلق به طبقات بالای اجتماعی دارای سرمایه بیشتری هستند، جو فرهنگی که فرزندان این خانواده‌ها در آن رشد می‌کنند، تعیین کننده ذائقه‌ها و اولویت‌های فرهنگی و اجتماعی آنهاست و این امر باعث موفقیت روز به روز فرزندان متعلق به طبقات بالا و دارای سرمایه فرهنگی بالا می‌شود (آشافنبورگ و ماس، ۱۹۹۷).

با الهام از این نظریه می‌توان گفت تحصیلات والدین نقش مهمی در امر موفقیت و شایستگی فرزندان دارد. والدین تحصیل‌کرده به خودی خود از فرهنگ بالاتر و موقعیت اجتماعی اقتصادی بهتری برخوردارند و نگرش مثبتی به تحصیلات دارند همین امر باعث رشد و شکوفایی فرزندان و تلاش مضاعف آنها برای کسب موفقیت می‌گردد. والدین تحصیل‌کرده بهتر می‌توانند مهارت‌ها و ترجیحات فرهنگ غالب را به فرزندان آموزش دهند. نوع مهارت‌ها و تخصص‌هایی که والدین دارند به نحوی در ذخائر خانواده منعکس شده و رفتار فرزندان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. همچنین والدین متعلق به طبقات بالای اجتماعی اقتصادی به دلیل وضع مالی بهتر با سرمایه‌گذاری بر روی فرزندان و فراهم نمودن تمامی امکانات آموزشی و تحصیلی برای آنان باعث موفقیت فرزندان می‌شوند و در نتیجه فرزندان از طریق سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین به موفقیت و شایستگی دست می‌یابند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدل نظری تحقیق



روش

تحقیق حاضر، از نوع تحقیق کاربردی می‌باشد که در یک مقطع از زمان به جمع‌آوری داده خواهد پرداخت. یعنی از نوع پیمایشی است. به منظور گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. ماهیت داده‌های این پژوهش از نوع کمی می‌باشد، لذا امکان استفاده از تحلیل‌های آماری و ریاضی بر روی اطلاعات تحقیق جهت توصیف و تحلیل وجود دارد. در این تحقیق، برای تدوین پرسشنامه نهایی جهت سنجش میزان شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی، ابتدا پرسشنامه اولیه شامل گویه‌هایی برای سنجش ابعاد مختلف شایستگی طراحی شد و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سیستماتیک در میان تعدادی از جامعه آماری که خانواده‌های یزدی می‌باشند، توزیع گردید. این پرسشنامه حاوی بخش‌های مختلفی است که از آن جمله می‌توان به سوالات زمینه‌ای (شامل: میزان تحصیلات والدین، وضعیت درآمد خانواده،

نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی

وضعیت مسکن و...، سوالات مربوط به ابعاد مختلف شایستگی (توانایی، دانش، مهارت و نگرش)، سوالات مربوط به ابعاد مختلف نظم در خانواده (همگامی، هم‌فکری، هم‌بختی و همدلی)، اشاره نمود. با توجه به موضوع تحقیق حاضر، واحد مشاهده و واحد تحلیل داده‌ها، فرد و سطح تحلیل خرد می‌باشد. برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری که از مهم‌ترین و متداول‌ترین نوع اعتبار محتوایی می‌باشد، استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری، میزان توافق متخصصان یک امر با یک شاخص و یا معیار است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۷)؛ و این نوع اعتبار، به بررسی اعتبار ابزار اندازه‌گیری، از طریق شم عام و تجربه می‌پردازد و کاملاً وابسته به قضاوت محقق است (صفری شالی، ۱۳۸۸: ۷۸). برای این منظور، علاوه بر سعی در انجام دقیق پیشینه تحقیق و مشاوره با اساتید در زمینه منطبق بودن محتوای سوالات با ویژگی مورد انتظار، پرسشنامه ابتدایی در اختیار تعدادی از خانواده‌های یزدی قرار گرفت و پس از تکمیل پرسشنامه، پیمایشی مقدماتی انجام شده، و برخی گویه‌های نامناسب حذف و برخی گویه‌های مناسب به سوالات افزوده شد و سوالات نهایی انتخاب و پرسشنامه تنظیم گردید. بدین ترتیب از اعتبار صوری پرسشنامه تا حد زیادی اطمینان حاصل گردید. در این تحقیق با اعتبار صوری و نظر اساتید راهنما و مشاور به سنجش موضوع پرداختیم. و با آزمون آلفای کرونباخ که مهم‌ترین و پرکاربردترین روش محاسبه در اندازه‌گیری پایایی است گویه‌ها را سنجیدیم. پس از تکمیل پرسشنامه در یک نمونه کوچک (۳۰ نفر)، اقدام به احتساب ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های پرسشنامه گردید و سپس گویه‌های نامناسب حذف و مجدداً محاسبه ضریب آلفای کرونباخ صورت گرفته است که ضریب سوالات آن نشان از پایایی ابزار گردآوری و همسازي و پایداری درونی نسبتاً بالای سازه‌ها دارد.

یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میزان تحصیلات پدر اکثریت دانش‌آموختگان (۴۵/۶ درصد) و میزان تحصیلات مادر اکثریت دانش‌آموختگان (۵۳/۱ درصد)، راهنمایی، متوسطه و دیپلم بوده است. ۴۲/۷ درصد از خانواده‌ها مورد بررسی درآمد بین ۱ تا ۲ میلیون داشتند. ۸۴/۹ درصد از خانواده‌ها دارای مسکن شخصی بودند. شغل پدر ۵۱ درصد از دانش‌آموختگان آزاد سطح متوسط بوده و شغل مادر ۷۶/۸ درصد از دانش‌آموختگان خانه‌دار بوده است.

جدول (۲): نتایج آزمون F جهت سنجش تفاوت شایستگی بر حسب تحصیلات پدر

تحصیلات پدر		بیسواد و ابتدایی	راهنمایی، متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم و لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
شایستگی	میانگین	۱۹۴/۱۷	۱۹۵/۲۶	۱۹۹/۴۴	۲۱۱/۸۵
	F	۳/۷۲۵			

۰/۰۱۲				Sig	(کل)
۵۷/۶۲	۵۴/۱۷	۵۳/۲۴	۵۳/۲۳	میانگین	توانایی
۲/۳۹۲				F	
۰/۰۶۸				Sig	
۴۶/۹۶	۴۳/۹۲	۴۳/۲۶	۴۲/۱۳	میانگین	دانش
۳/۱۵۵				F	
۰/۰۲۵				Sig	
۵۷/۴۴	۵۴/۱۲	۵۲/۱۳	۵۱/۶۰	میانگین	مهارت
۵/۶۳۱				F	
۰/۰۰۱				Sig	
۴۹/۸۱	۴۷/۲۱	۴۶/۶۱	۴۷/۲۰	میانگین	نگرش
۱/۴۹۴				F	
۰/۲۱۶				Sig	

جدول شماره (۲): تفاوت میانگین شایستگی را بر حسب تحصیلات پدر نشان می‌دهد. داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که تفاوت معناداری از نظر برخورداری از شایستگی بین دانش‌آموختگان با تحصیلات پدر وجود دارد. بنابراین فرضیه مبتنی بر وجود تفاوت معناداری بین دانش‌آموختگان دانشگاهی از نظر برخورداری از شایستگی، بر حسب تحصیلات پدر تایید می‌شود. دانش‌آموختگان دارای پدر با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با میانگین ۲۱۱/۸۵ بالاترین میزان شایستگی را به خود اختصاص داده‌اند. این امر در مورد تمام ابعاد شایستگی نیز صادق بوده است؛ یعنی با افزایش تحصیلات پدر خانواده، توانایی، دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموختگان نیز افزایش یافته است.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون F جهت سنجش تفاوت شایستگی بر حسب تحصیلات مادر

تحصیلات مادر	بیسواد و ابتدایی	راهنمایی، متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم و فوق لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
میانگین	۱۸۹/۵۳	۲۰۰/۵۹	۱۹۵/۴۰۰	۲۱۴/۴۲
(کل)	F	۶/۰۰۱		
	Sig	۰/۰۰۱		

نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی

۵۷/۲۸	۵۲/۹۸	۵۴/۸۲	۵۱/۷۳	میانگین	توانایی
۴/۰۸۷				F	
۰/۰۰۷				Sig	
۴۸/۳۵	۴۳/۰۱	۴۴/۲۳	۴۱/۵۹	میانگین	دانش
۵/۲۲۳				F	
۰/۰۰۲				Sig	
۵۹/۱۴	۵۲/۹۶	۵۳/۸۵	۵۰/۱۷	میانگین	مهارت
۸/۵۹۱				F	
۰/۰۰۰				Sig	
۴۹/۶۴	۴۶/۴۴	۴۷/۶۸	۴۶/۰۳	میانگین	نگرش
۱/۸۳۸				F	
۰/۱۴۰				Sig	

جدول شماره (۳): تفاوت میانگین شایستگی را بر حسب تحصیلات مادر نشان می‌دهد. داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که تفاوت معناداری از نظر برخورداری از شایستگی بین دانش‌آموختگان با تحصیلات مادر وجود دارد. بنابراین فرضیه مبتنی بر وجود تفاوت معناداری بین دانش‌آموختگان دانشگاهی از نظر برخورداری از شایستگی، بر حسب تحصیلات مادر تایید می‌شود. دانش‌آموختگان دارای مادر با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با میانگین ۲۱۴/۴۲ بالاترین میزان شایستگی را به خود اختصاص داده‌اند. این امر در مورد ابعاد توانایی، دانش و مهارت نیز صادق بوده است؛

جدول شماره (۴): نتایج آزمون F جهت سنجش تفاوت شایستگی بر حسب شغل پدر

شغل پدر	کارمند سطح بالا	آزاد سطح بالا	کارمند سطح متوسط	کارمند سطح پایین	آزاد سطح متوسط	کشاورز	کارگر	بیکار	شایستگی	
									میانگین	(کل)
	۲۰۸/۶۴	۲۱۵/۷۹	۲۰۰/۵۰	۱۸۲/۷۱	۱۹۶/۳۱	۱۹۲/۶۶	۱۷۵/۸۵	-	میانگین	شایستگی (کل)
	۶/۵۸۲								F	
	۰/۰۰۰								Sig	
توانایی	۵۹/۲۸	۵۸/۳۷	۵۴/۱۲	۵۰/۴۲	۵۳/۷۲	۵۳/۶۶	۴۷/۳۳	-	میانگین	توانایی

دوفصلنامه جامعه شناسی آموزش و پرورش

۵/۵۷۴								F	
۰/۰۰۰								Sig	
-	۳۹/۳۳	۴۲/۰۰	۴۳/۲۹	۳۷/۵۷	۴۴/۰۰	۴۷/۷۰	۴۷/۰۷	میانگین	دانش
۴/۶۲۰								F	
۰/۰۰۰								Sig	
-	۴۷/۶۲	۴۹/۳۳	۵۲/۵۳	۵۰/۸۵	۵۴/۱۸	۵۷/۵۴	۵۴/۷۱	میانگین	مهارت
۴/۸۵۴								F	
۰/۰۰۰								Sig	
-	۴۱/۵۵	۴۷/۶۶	۴۶/۷۵	۴۳/۸۵	۴۸/۱۹	۵۲/۱۶	۴۷/۵۷	میانگین	نگرش
۵/۵۳۱								F	
۰/۰۰۰								Sig	

جدول شماره (۴): تفاوت میانگین شایستگی را بر حسب شغل پدر نشان می‌دهد. داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که تفاوت معناداری از نظر برخورداری از شایستگی بین دانش‌آموختگان با شغل پدر وجود دارد. بنابراین فرضیه مبتنی بر وجود تفاوت معناداری بین دانش‌آموختگان دانشگاهی از نظر برخورداری از شایستگی، بر حسب شغل پدر تایید می‌شود. بالاترین میانگین شایستگی مربوط به شغل آزاد سطح بالا بوده، این امر در مورد ابعاد دانش، مهارت و نگرش نیز صادق است و پایین‌ترین میانگین شایستگی مربوط به شغل کارگر بوده است؛ بعبارتی بالا بودن مرتبه شغلی پدر خانواده باعث بالا بودن میانگین شایستگی دانش‌آموخته می‌گردد و هرچه مرتبه شغلی پدر در ردیف پایین‌تری قرار بگیرد، میزان شایستگی نیز کمتر شده است.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون F جهت سنجش تفاوت شایستگی بر حسب درآمد خانواده

درآمد خانواده	فاقد درآمد	زیر ۵۰۰ هزار تومان	۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون	۱ تا ۲ میلیون	۲ میلیون و بالاتر
میانگین	-	-	۱۸۵/۵۸	۱۹۸/۱۴	۲۰۶/۸۰
F	۱۹/۰۳۸				
Sig	۰/۰۰				
میانگین	-	-	۵۰/۶۳	۵۴/۰۵	۵۶/۲۶
F	۱۳/۲۵۶				

نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی فارغ التحصیلان دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی

۰/۰۰					Sig	
۴۵/۶۲	۴۳/۶۰	۴۰/۹۴	-	-	میانگین	دانش
۱۱/۹۸۴					F	
۰/۰۰					Sig	
۵۵/۵۶	۵۳/۲۱	۴۹/۶۸	-	-	میانگین	مهارت
۱۷/۵۹۵					F	
۰/۰۰					Sig	
۴۹/۳۵	۴۷/۲۵	۴۴/۳۳	-	-	میانگین	نگرش
۱۳/۳۳۰					F	
۰/۰۰					Sig	

جدول شماره (۵): تفاوت میانگین شایستگی را بر حسب درآمد خانواده نشان می‌دهد. داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که تفاوت معناداری از نظر برخورداری از شایستگی بین دانش‌آموختگان با درآمدهای مختلف وجود دارد. بنابراین فرضیه مبتنی بر وجود تفاوت معناداری بین دانش‌آموختگان دانشگاهی از نظر برخورداری از شایستگی، بر حسب درآمد خانواده تایید می‌شود. عبارتی با افزایش درآمد خانواده مشاهده می‌شود که میزان شایستگی دانش‌آموختگان نیز افزایش یافته است. دانش‌آموختگان متعلق به خانواده‌های دارای درآمد ۲ میلیون به بالا با میانگین ۲۰۶/۸۰ بالاترین شایستگی را به خود اختصاص داده‌اند. این امر در مورد تمام ابعاد شایستگی نیز صادق بوده است؛ یعنی با افزایش درآمد توانایی، دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموختگان افزایش یافته است.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون F جهت سنجش تفاوت شایستگی بر حسب وضعیت مسکن

وضعیت مسکن	شخصی	اجاره ای	سازمانی	سایر
شایستگی (کل)	۱۹۹/۲۸	۱۸۵/۰۶	-	۱۹۲/۶۱
	۳/۹۱۴			
	۰/۰۰۹			
توانایی	۵۴/۳۸	۴۹/۶۵	-	۵۲/۵۳
	۴/۹۴۵			
	۰/۰۰۲			
دانش	۴۳/۸۶	۴۰/۹۳	-	۴۳/۰۷

۰/۳۸۲	۰/۳۱۶	۰/۳۷۵	۰/۳۰۰	۰/۳۳۱	ضریب پیرسون (r)	همگامی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معنی داری (Sig)	
۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	تعداد (N)	
۰/۰۹۲	۰/۱۱۰	۰/۰۵۸	۰/۰۳۲	۰/۱۱۴	ضریب پیرسون (r)	همدلی
۰/۰۷۲	۰/۰۳۲	۰/۲۵۶	۰/۵۳۰	۰/۰۲۶	سطح معنی داری (Sig)	
۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	تعداد (N)	

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین نظم در خانواده و میزان شایستگی دانش‌آموختگان، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یعنی هر چه نظم در خانواده بیشتر باشد میزان شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی بیشتر است. این رابطه مثبت و معنی‌دار بین شایستگی و ابعادش با هم‌فکری، هم‌بختی و همگامی وجود دارد اما بین شایستگی و بعد همدلی وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه مبتنی بر وجود رابطه معنادار بین نظم در خانواده و شایستگی دانش‌آموختگان تایید می‌شود. عبارتی هرچه میزان هم‌فکری، هم‌بختی و همگامی در خانواده افزایش یابد تأثیر مثبتی بر شایستگی داشته و باعث افزایش شایستگی دانش‌آموخته می‌گردد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون فرضیه ی مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین نظم در خانواده و شایستگی تایید می‌شود.

جدول شماره (۹): ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین شایستگی دانش‌آموختگان

sig	F	R ² Adj	R ²	R
۰/۰۰۰	۲۸/۷۵	۰/۱۷۹	۰/۱۸۵	۰/۴۳۰

به منظور تبیین موضوع مورد نظر یعنی بررسی میزان شایستگی دانش‌آموختگان از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. که در نهایت طبق اطلاعات جدول (۹) ملاحظه می‌شود از متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیونی، ۳ متغیر مستقل مهم در مدل رگرسیونی باقی‌ماندند که ضریب همبستگی آنها با شایستگی برابر با $R = 0/430$ و ضریب تعیین برابر $R^2 = 0/185$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر $R^2_{Adj} = 0/179$ به دست آمده است و این ضریب بیانگر آن است که با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیر مستقل موجود در معادله رگرسیون، می‌توان ۱۷ درصد از واریانس شایستگی را توضیح داد. عبارتی ۱۷ درصد واریانس متغیر وابسته (شایستگی)، توسط متغیرهای مستقل که شامل همگامی، هم‌بختی و هم‌فکری است تبیین می‌شود و مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل چند بعدی بودن متغیر وابسته تحقیق یعنی شایستگی و همچنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده خطی و معنادار می‌باشد.

زیرا مقدار F برای تعیین معنی داری اثر متغیرهای مستقل بر سطح شایستگی برابر $28/75$ با سطح معنی داری $0/000$ sig می باشد. عبارتی می توان گفت مدل رگرسیونی به طور کلی معنی دار می باشد و متغیرهای مستقل باقی مانده در مدل به شکل معنی داری می توانند بر روی متغیر وابسته که شایستگی است تأثیر معنی داری بگذارند.

جدول شماره (۱۰): ضریب متغیرهای باقی مانده در معادله رگرسیونی به روش گام به گام

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	t	سطح معنی داری
	B	خطای معیار			
همگامی	۱/۵۵۷	۰/۳۰۶	۰/۲۷۹	۵/۰۸۶	۰/۰۰۰
همبختی	۱/۱۷۱	۰/۳۸۱	۰/۱۴۹	۳/۰۷۵	۰/۰۰۲
همفکری	۰/۳۹۳	۰/۱۶۸	۰/۱۳۰	۲/۳۴۲	۰/۰۲

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۱۰): از میان متغیرهای مستقل ۳ متغیر وارد مدل رگرسیونی شده اند که سطح معنی داری هر کدام کمتر از $0/05$ است. بنابراین تأثیر هر ۳ متغیر بر متغیر وابسته معنی دار می باشد. با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده ملاحظه می شود که به ترتیب ارتباط همگامی با مقدار $0/279$ ، همبختی با مقدار $0/149$ ، همفکری با مقدار $0/130$ بیشترین تأثیر را در تبیین تغییرات و پیش بینی شایستگی داشته اند. عبارتی به ازای هر واحد افزایش در متغیرهای همگامی، همبختی و همفکری، شایستگی به ترتیب با ضریب $0/279$ ، $0/149$ و $0/130$ افزایش می یابد.

نتیجه گیری

در این تحقیق به بررسی نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی دانش آموزان دانشگاهی از نظر خانواده های یزدی پرداختیم. یافته های تحقیق نشان می دهد که میزان تحصیلات پدر اکثریت دانش آموزان ($45/6$ درصد)، و میزان تحصیلات مادر اکثریت دانش آموزان ($53/1$ درصد)، راهنمایی، متوسطه و دیپلم بوده است. $42/7$ درصد از خانواده ها مورد بررسی درآمد بین ۱ تا ۲ میلیون داشتند. $84/9$ درصد از خانواده ها دارای مسکن شخصی بودند. شغل پدر 51 درصد از دانش آموزان آزاد سطح متوسط بوده و شغل مادر $76/8$ درصد از دانش آموزان خانه دار بوده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین نظم در خانواده و میزان شایستگی دانش آموزان، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چه نظم در خانواده بیشتر باشد میزان شایستگی دانش آموزان دانشگاهی بیشتر است. این رابطه مثبت و معنی دار بین شایستگی و ابعادش با همفکری، همبختی و همگامی وجود دارد اما بین شایستگی و بعد همدلی وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه مبتنی بر وجود رابطه معنادار بین نظم در خانواده و شایستگی دانش آموزان تایید می شود. عبارتی هرچه میزان همفکری، همبختی و همگامی در خانواده افزایش یابد تأثیر مثبتی بر شایستگی داشته و باعث افزایش شایستگی دانش آموزان می گردد؛ این امر با یافته های پارسا و همکاران (۱۳۹۲)، محسنی کوچصفهانی (۱۳۶۷) همخوانی دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که فرضیه

مبتنی بر وجود تفاوت معناداری بین دانش‌آموختگان دانشگاهی از نظر برخورداری از شایستگی، بر حسب تحصیلات والدین، بر حسب شغل پدر، بر حسب درآمد خانواده و بر حسب وضعیت مالکیت مسکن تایید می‌شود. این یافته با یافته‌های عفیفی (۱۳۷۴)، کیمل و واینر (۱۹۹۵) و بی تیل و همکاران (۱۹۷۳) همخوانی دارد. همچنین نتایج حاصل از معادله رگرسیونی در میان کل پاسخگویان نشان داد که در مجموع به ترتیب ۳ متغیر همگامی، هم‌بختی و هم‌فکری توانستند ۰/۱۷ درصد از واریانس شایستگی را توضیح دهند و مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیده و چند بعدی بودن متغیر وابسته یعنی شایستگی هم چنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند. همچنین با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده، ملاحظه می‌شود که متغیرهای همگامی، هم‌بختی و هم‌فکری به ترتیب با مقدار 0.13 ، 0.14 ، 0.14 بیشترین تاثیر را در تبیین تغییرات و پیش‌بینی شایستگی داشته‌اند. عبارتی به‌ازای هر واحد افزایش در متغیرهای همگامی، هم‌بختی و هم‌فکری، شایستگی به ترتیب با ضریب 0.14 ، 0.13 ، 0.14 افزایش می‌یابد.

دانش‌آموختگان بعنوان خروجی اصلی دانشگاه‌ها حائز اهمیت زیادی می‌باشند و سنجش میزان شایستگی دانش‌آموختگان می‌تواند راه‌گشای بسیاری از موانع و مشکلات پیش‌روی دانشگاه‌ها باشد. دانشجویان امروزی نیازمند به‌روز نگه‌داشتن دانش، مهارت و شایستگی‌های خود هستند در این زمینه دانشگاه‌ها باید برای توسعه انعطاف‌پذیر و نوآورانه در یادگیری و تدریس برنامه‌ریزی‌های لازم را به عمل آورند. قطعاً نیروی انسانی شایسته و متخصص از طریق نوآوری‌ها و بکارگیری امکانات مادی کشور موجبات رشد سریع‌تر جامعه را فراهم می‌سازند. لذا پیشنهاد می‌شود تلاش‌هایی در جهت تدوین سیاست‌های آموزشی کاربردی و قابل پیاده‌سازی در دانشگاه‌ها برای کسب شایستگی بیشتر دانش‌آموختگان صورت گیرد. از آنجایی که خانواده یکی از ارکان اساسی جامعه و سلول اصلی نظام اجتماعی به‌شمار می‌رود و علاوه بر کارکردهای زیستی و جمعیتی دارای کارکردهای اجتماعی بسیاری است و با توجه به اینکه در این پژوهش نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی تایید شد پیشنهاد می‌شود جنبه‌های دیگر خانواده مانند ساختار بیرونی خانواده، در تحقیقات آینده مورد توجه قرار گیرد و رابطه آن با میزان شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی سنجیده شود. همچنین آموزش خانواده بایستی در کانون توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد. در کشور ما فرهنگ نیاز فوری به مشاوره خانوادگی هنوز شکل نگرفته است اما می‌توان از طریق رسانه‌های گروهی به انسجام و نظم خانواده کمک کرد چه‌بسا بسیاری از درهم‌ریختگی‌های خانوادگی ناشی از فقر آموزش و کمی اطلاعات باشد. با توجه به ابعاد غیرمادی نظم، پیشنهاد می‌شود در فضای خانه والدین با همدیگر بر اساس تفاهم مشترک، خطرپذیری مشترک و سازش مشترک رفتار کنند این رفتار باعث آرامش روحی در فرزندان شده و تأثیر مثبت بر یادگیری و موفقیت داشته و در نهایت منجر به شایستگی خواهد شد؛ خانواده‌ها محیطی آرام و فضای روانی - عاطفی مناسبی برای تحصیل ایجاد کنند و جو خالی از تفاهم و مهر و محبت از محیط خانواده دور شود. دانش‌آموختگانی که از خانواده‌های با تحصیلات بالا، شغل بهتر پدر، درآمد بالا و وضعیت مسکن مناسب بودند شایستگی بیشتری کسب کرده بودند لذا دانشگاه‌ها باید تدابیر بیشتری ببندیشند و از دانشجویانی که از طبقات پایین هستند پشتیبانی کنند تا آنها هم به

شایستگی برسند. دانشجویانی که از سطح رفاه مناسبی برخوردار نباشند قادر نخواهند بود به میزان مورد انتظار به مطالعه و تحقیق بپردازند و این امر بالطبع میزان شایستگی آنها را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

منابع

- بازرگان، عباس، آغازی بر ارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران: چالش‌ها و چشم اندازها، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، سال ششم، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۷۷.
- پارسا، نیکسا؛ احمدپناه، محمد؛ پارسا، پرینسا؛ قلعه‌ایها، علی. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط روابط عاطفی بین والدین و فرزندان با سازگاری تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۲۲، صص. ۸۳-۹۰.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵)، نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده) در: چلبی، مسعود (۱۳۸۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- خورشیدی، عباس؛ فرخی، داود (۱۳۹۰). مؤلفه‌های سازنده شایستگی‌های مهارت‌آموختگان، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۶۲-۱۳۱.
- داون، شولتز؛ سیدنی، شولتز (۱۳۷۵). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش.
- رضایت، غلامحسین؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ کیامنش، علیرضا؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۹۰). معماری الگوهای شایستگی: ارائه چارچوب مفهومی، دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع). سال سوم، شماره ۲، صص ۴۹-۸۱.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات تبیان.
- زارع، بیژن (۱۳۹۲). دانشگاه ایرانی و مسأله کیفیت، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۶۹، صص ۵۴-۶۳.
- زاده محمدی، علی؛ حیدری، محمود، جندقی، غلامرضا؛ پوراعتقاد، حمیدرضا؛ ملک خسروی، غفار؛ سعادت‌مند، نیره السادات (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل خانوادگی در وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان قم، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال دوم، شماره ۷، صص. ۲۴۰-۲۵۶.
- ساروخانی، باقر، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
- شاکریان، عطا؛ آقاجانی هشتجین، عطا. (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه کارایی خانواده در ارتباط با وضعیت تحصیلی دانشجویان موفق و ناموفق دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷.
- پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، (۲)، ۱۸۸-۲۰۳.
- شیخ‌الاسلامی، عبدالرضا؛ پزند، کوروش؛ خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید؛ ایلداری، سورنا. (۱۳۹۱). رویکرد شایستگی محور به آموزش‌های حرفه‌ای، تهران: سازمان فنی و حرفه‌ای کشور، صص ۱۹۶-۱۲۷.

نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی

صفری شالی، رضا، راهنمای تدوین طرح تحقیق (پروپوزال نویسی)، تهران: جامعه و فرهنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

عبادی، غلامحسین؛ معتمدین، مختار. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ولی - فرزندی، ابراز وجود و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهر تبریز. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۶(۲۳)، ۹۷-۱۱۶.

محمدی زنجیرانی، داریوش؛ اشیاقیان، ندا؛ رازنهان، فیروز. (۱۳۹۲). رویکرد چند معیاره و تلفیقی نیازسنجی آموزشی بر مبنای تحلیل شایستگی‌های کارکنان، رویکردهای نوین آموزشی، سال هفتم، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۳۶.

میرسپاسی، ناصر، مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار، تهران، انتشارات میر، چاپ سی و یکم، ۱۳۹۰.

ورسلی، پیتر (۱۳۷۸)، نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید معیدفر، انتشارات تبیان.

همیلتون، پیتر (۱۳۷۴). تالکوت پارسونز، ترجمه علی برزگر، تهران، مرن‌دیز.

یوسفی، احمد؛ عرفانی، مریم. (۱۳۸۸). نقش شایستگی‌های سرپرستی در توسعه سرمایه انسانی، مهندسی خودرو و صنایع وابسته، شماره ۸، صص ۷۶-۱۲۴.

Aschaffenburg, K., & Maas, I., (1997). Cultural and educational careers: The dynamics of social reproduction. *American Sociological Review*, 62, 573-587.

Steinberg, L., Lamborn, S.D., Dornbusch, S.M. & Darling, N. (1992). Impact of parenting practices on adolescent achievement: Authoritative parenting, School involvement, and encouragement to succeed. *Child Development*, 63, 1241-1266.

Kimmel, D.C. Weiner, I.B. (1995). *Adolescence: A developmental transition*. New York: Wiley.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

A Survey of relationship role of family in the competence of university graduates Yazdi families

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship role of family in the competence of university graduates is family Yazdi. This research was survey and questionnaires were used to collect data techniques. The population of this research Yazdi families who are university graduates, are based on a sample of ۳۸۴ families were selected as sample. After calculating the validity and reliability, data spss software and statistical methods, ANOVA test and Pearson correlation and regression analysis were analyzed. Results showed the role of family (Order in the family include: synchronous, sympathy, and empathy The chance as well as socio-economic status, including parental education, father's occupation, income and housing situation), In the competence of graduates was confirmed. The results of regression equation among the respondents indicated that total by 3 covariates, both happiness and sympathy could 17/0% of the variance explained merit. In other words, 279/0 covariate factor in explaining the merits has the greatest impact.

Keywords: competence, discipline in the family, graduates